



هیس! علم بهتر از ثروت است

معلمان عزیز لطفا دیگر موضوع انشای « علم بهتر است یا ثروت » را به دانش آموزانتان ندهید. زیرا « الناس علی دین ملوکهم » مردم به شیوه حاکمانشان زندگی می کنند. در کشوری که مسئولان آموزش و پرورش و دانش آموز را کالا و منبع درآمد به حساب می آورند؛ آموزش ارجحیت علم نسبت به ثروت مضحک است.

پس از اقدامات فراوان برای غلبه یافتن نگاه سرمایه داری بر بخشهای مختلف حال نوبت به آموزش و پرورش رسیده است. بردن آموزش و پرورش تحت سلطه نظام سرمایه داری که سبب حرکت آن به سمت آموزش انحصاری برای طبقه مرفه جامعه می شود، خطایی نابخشودنی در حق دانش آموزان این سرزمین است. خصوصی سازی آموزش نه تنها پیشرفتی برای جامعه به همراه ندارد. بلکه بازگشت به دوران تاریک ارباب-رعیتی خواهد بود اما با سبک و زرق و برق از نوع مدرنیته و قرن ۲۱. علیرغم این موضوع ما نمی خواهیم به عقب برگردیم.

طرح خصوصی سازی، معلم تمام وقت، خرید خدمت و ... تماما نتیجه نگاه مادی به آموزش و پرورش و درآمد زایی از طریق دانش آموز است.

طبق قانون اساسی مدرسه بنگاه نیست؛ آموزش رایگان حق دانش آموزیست که کالای فروشی نمی باشد. دانش آموزی که عضوی از جامعه و سهامدار بیت المال است. بنابراین دولت ۴ ملیون برای دانش آموز هزینه نه! روی او سرمایه گذاری می کند. بدون شک با خصوصی سازی تعداد قابل توجهی از نسل آینده از آموزش محروم خواهند ماند. نسلی که قرار است آینده این سرزمین را بسازد. آیا با انبوه بی تدبیری ها جایی برای امید به آینده باقی می ماند؟

ما برای هر دانش آموزی به طور متوسط ۴ میلیون تومان از خزانه مردم و بیت المال هزینه می کنیم البته به طور متوسط، در حالی که اگر دولت بخواهد این خدمت را از مردم بخرد و مردم خودشان این کار را انجام دهند، حداکثر یک میلیون تومان می شود که ۴ برابر از پول بیت المال برای یک دانش آموز هزینه می کنیم در حالی که می توانیم این را ارزان کنیم.



شدند، پروژه "تضعیف" آن را در دستور کار قرار دادند و آن را به پروژه "تحذیف" سند تحول و جایگزینی سند دیگری به نام سند ملی آموزش ۲۰۳۰، آن هم دقیقاً در پنجمین سال ابلاغ سند (سال ۱۳۹۵) یعنی سال به روز رسانی و ترمیم آن، وصل نمودند، امروز با پروژه سومی به نام "تحریف" سند تحول ورود کرده اند و متأسفانه به دلیل نفوذ در ارکان وزارتخانه توانسته اند کارهای خود را با تحریف محتوای آن در زیر نظام ها و برنامه های عملیاتی پیش ببرند.

سال ۸۸ خود را نشان می دهد، یک روز در قالب ستون پنجم دشمن در مذاکرات هسته ای و یک روز نیز به حمایت از جنگ اقتصادی علیه ملت ظهور پیدا می کند. اما یکبار دیگر این پروژه در نظام تربیت رسمی در قالب سند ۲۰۳۰ و یا تحریف سند تحول، با کمترین سروصدا ظهور و بروز پیدا می کند!

متفکرین و مبلغین ترویج سکولاریسم و مخالفین اجرای سند تحول بنیادین که تا دیروز مانع اجرایی شدن آن می

ما به دی ماه پر از نفوذ عادت داریم

انگار سرنوشت ماه دی را با فتنه و نفوذ نوشتند؛ جریان سال ۸۸، اجرای برجام، تظاهرات و فتنه های حوالی ۹ دی و ... دی ماه هر سال تداعی گر اتفاقات ناخوشایندی است. و امسال نوبت

بخشی از نامه مسئول بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان به وزیر آموزش و پرورش:

پروژه نفوذ یک روز با رنگ و بوی سیاسی و حمله به جمهوریت نظام در



نشریه دانشجویی میقات

دانشگاه فرهنگیان پردیس امام خمینی (ره) - شهر گرگان

• شماره چهارم • سال اول • دی ماه ۱۳۹۷ • ۲ صفحه •

مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

کاری که بر دوش معلم است، یکی از بزرگترین کارهایی است که بشر می تواند انجام دهد. همه زیر بار مَنّت معلمانیم.

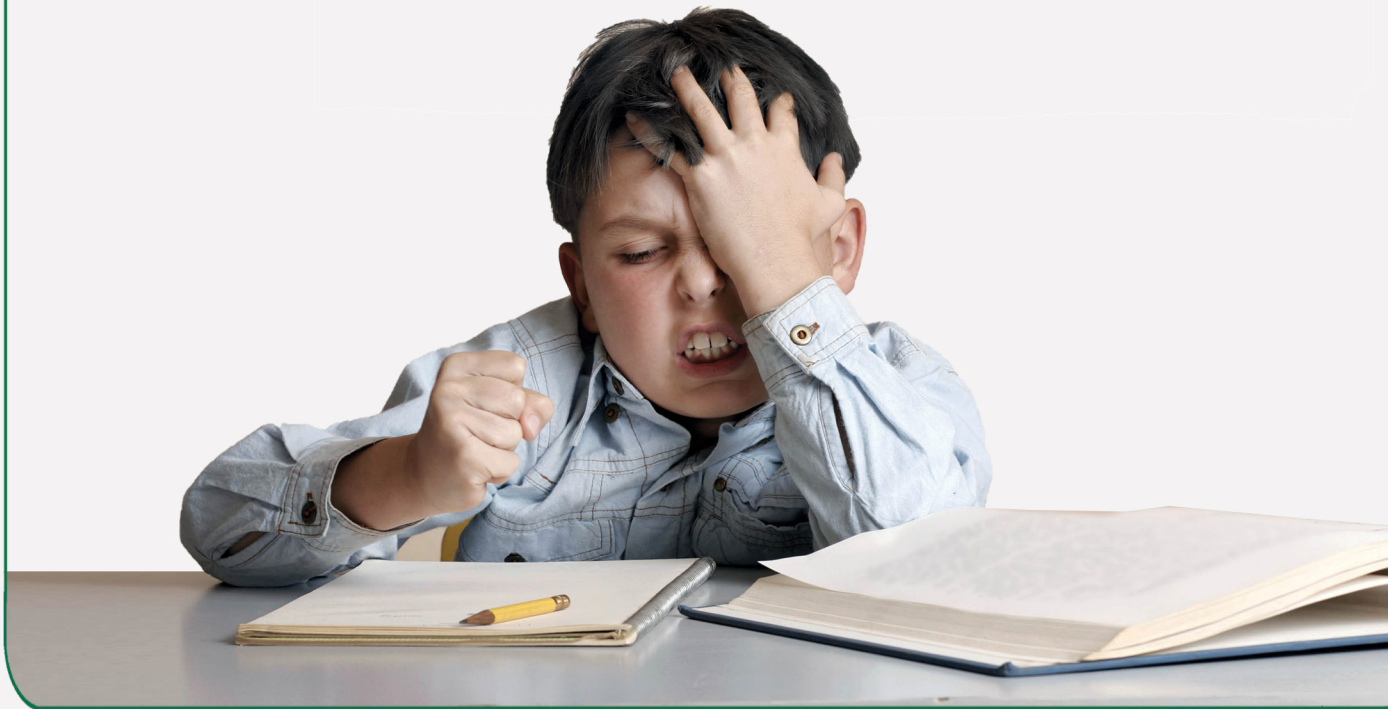
مشق شب آری یا نه؟

پروانه لک زایی

همه ی مایادمان هست که آخر شب ها در حال رونویسی از درس ها بودیم و مشق شب برای ما هیچوقت جذاب نبود.... حال شاید با خبر حذف مشق شب برای سه سال اول ابتدایی تعجب کرده باشید... مشقی که به گفته ی معلم ها برای مایلی مفید بود و میتوانست مشکلات نوشتاری و املائی ما را رفع کند... اگر بخواهیم نگاهی مخالف به این مسئله داشته باشیم میتوانیم بگوییم متاسفانه نقش برنامه درسی پنهان در مدرسه ها کم رنگ شده است، آموزش دانش آموزان به مکارم اخلاق، ادب، احترام، صله رحم و... یکی از هدف های سند تحول بنیادین است که یم خواهد انسانی مومن و اجتماعی، اخلاق مدار و... تربیت کند. متاسفانه محصور ماندن تمامی مشق های دانش آموزان به رونویسی و گرفتن آزمون های مداد کاغذی از آموخته هایشان باعث میشود دانش آموزان در ابعاد مختلف رشد نکنند و مشق و تکلیف برای آنان کاری اغلب ملال آورو خسته کننده باشد کاری که وقت بازی و استراحت آنان را می گیرد و گاهی ایام عید و تابستان آنان را نیز درگیر می کند. اگر از این منظر نگاه کنیم اغلب ما با حذف این نوع مشق شب موافقیم...

اما اگر از زاویه ای دیگر ببینیم .. اگر مشق شب نباشد فرصت تکرار و تمرین آموخته ها از دانش آموزان گرفته می شود دانش آموزان با حذف مشق شب از فضای آموزش و آنچه که یاد گرفته اند فاصله می گیرند و این باعث عدم رفع خیلی از اختلالات نوشتاری و املائی آنان میشود... اما متاسفانه این روزها مشق شب باعث شده است که خیلی ها از این مسئله سواستفاده کنند و خیلی از موسسات کمک آموزشی گاهی به دنبال فتوا گرفتن از مراجع عظام دینی هستند تا کار خود را شرعی کنند و درآمدهای آنجانی خود را حلال کنند... اما

بهرتر است بدانیم که کشورهایی مثل ژاپن که در زمینه آموزش مطرح هستند در سیستم آموزشی شان تشویق دانش آموزان برتر با تکالیف بیشتر را دارند... حال با همه ی این نقدهای مثبت و منفی به نظرم بهترین کسانی که می توانند این مسئله را حل کنند معلم ها هستند... مسئولین محترم آموزش و پرورش آیا بهتر نیست که قبل از تصمیم های ناهنگام و شتابزده در زمینه آموزش و پرورش تیم کارشناسانه ای که می تواند شامل معلمان باتجربه و افراد متبحر در این زمینه باشد تشکیل بدهید و در این زمینه بحث کنید، گفتگو کنید و سپس تصمیم بگیرید؟؟ آیا خبر حذف مشق شب آن هم در شهریور ماه کاردرستی است؟؟ اما از مسئولین خود انتظار تامل و دقت نظر بیشتری در این مسائل داریم.....



۹ دی روز بصیرت

مریم اکبر مجنی

رهبر معظم انقلاب:

ملت ایران با آنهایی که روز عاشورا با بی حیایی جوان بسیجی را در خیابان لخت کردند و کتک زدند، قهرند و آشتی نخواهند کرد.

۹ دی روزیست که لزوم بصیرت را یادآوری میکند

روزیست که به ما معنای واقعی جمهوری بودن و احترام به رای مردم را میفهماند

اهمیت اتحاد و حمایت از ولی فقیه را میفهماند

حتما حواس همه ما دانشجویان هست که فتنه های عظیم برای ملت ایران هر ده سال یکبار طراحی می شوند، ۱۸ تیر ۷۸، انتخابات ۸۸ و بنابر همین رویه حضرت جان امام خامنه ای عزیز تر از جانمان فرمودن حواستان به ۹۸ باشه... این یک مقدمه ایست جهت انجام خدعه های ظالمانه علیه مظلومین و مسلمانان. از انجا که دانشگاه محور روشنگری علیه فتنه بوده و امید رهبر گرانقدرمان به ما جوانان است

ضمن هوشیاری و بصیرت انقلابی لازم است عمار زمانه ی خویش بوده و نگذاریم نقشه خائنانه دشمنان اسلام عملی شود و خاری بر گلو ی تمامی مستکبران باشیم.

چنانچه هیچ وقت فراموش نمی کنیم به آتش کشیدن خیمه های عزای مولایمان حسین را در عاشورای #سال۸۸

هیچ وقت فراموش نمی کنیم اشک های رهبر عزیزمان را در نماز جمعه # سال۸۸

هیچ وقت فراموش نمی کنیم خون های به ناحق ریخته شده جوانانمان توسط وحشی های فتنه گر در #سال۸۸

کسانی را که فتنه گران وحشی و حرمت شکنان سال ۸۸ را ملتی خدا جو خواندند #نه میبخشیم #نه فراموش میکنیم



معلم قیمتی یا معلم به هر قیمتی

فائزه نجاتی فر

چندی بیشتر نیست که خبر حذف شرط معدل از شرایط دانشگاه فرهنگیان در خبرگزاری های مختلف رسانه ای شد. خبری که شاید عده ای را به شور آورد که بالاخره کوس اعتراض را بردارند و دلایل متعددی را هم برای آن ذکر کنند

و اما برای عده ای هم خوشایند که این تفکر در ذهنشان نقش بست که معلم شدن آسان شد... تصویب این طرح تنها یک بعد آن بسیار پررنگ تر عنوان شد آن هم نگاه غیر متخصصانه در انتخاب معلم برای نیرو نظام آموزش و پرورش و غیر مهم تلقی شدن پذیرش این مسئولیت. تربیت معلم قیمتی شده تربیت معلم به هر قیمتی...

شاید آقایان با تصویب این طرح بگویند قرار است با جذب نیروی بیشتر کمبود نیروی انسانی را حل کنند اما نمی دانند که همین سیاست و تدبیر آسیب بزرگی برای نظام آموزش و پرورش است.

از طرفی مسئولین زیر ساخت های لازم و مسئله ی گسترش دانشگاه فرهنگیان را نیز فراهم نکردند چطور قادر خواهند بود این حجم از نیرو را در دانشگاهی نوپا سازماندهی کنند.

احتمالا مسئولین مربوط، سند تحولی که را که خودشان بانی آن بوده اند و سیاست های آن را طرح ریزی کردند را مطالعه نکردند و به این آگاه نیستند که در این سند ویژگی های یک معلم چیست و چگونه است.

وقت از خواب بیدار شدن است باید زودتر از این ها به خود می آمدم تا هر روز با تصویب این چنین طرح هایی غافلگیر نشویم.

چهارشنبه بیادماندنی

زهره علی دوست

روز چهارشنبه پا به یک اردوی علمی-تفریحی گذاشتیم. آن روز تجربه ی عظیم و شگفت انگیزی برایمان بخصوص برای من و دوستم که ترم یک بودیم در اختیار گذاشت. در آن روز پا به یک مدرسه ابتدایی پسرانه پایه اول تا سوم و مهدکودکی که در اغوش ان سیر میکرد گذاشتیم. مدرسه ای که یکی از معلمانش می گفت جزوه ۱۰۰ مدرسه نمونه کشوریست. البته از حق نگزیریم ماهم نمونه بودنش را به وضوح نظار گر بودیم. یکی از کشفیات عظیم الجثه اینجانب این بود که هر چه در دانشگاه پاس کنیم با اینکه در مدرسه وجود خارجی (همان کارورزی خودمان) پیدا کنیم شدیداً و عمیقاً متفاوت است. پا به مدرسه که میگذاری شنیدن فریادهای کودکانی از جنس زلالی اب. مشاهده چهرهای درهم و رهم رفته و سرشار از تعجبشان از دیدار این همه دختر چادری یکجا. ذوق کردن های از ته دل و ژست های خنده اورشان در تلاش برای افتادن در سلفی های دانشجو معلمان عزیزو.....

همه و همه حس لذت و شمعف به من هدیه داده و مرا به دوره کودکی پس می دهد!

و این از شیرین ترین سکانس های معلمیست. شباهت این مدرسه با مدرسه دوران ماچیزی معادل زمین تاهواس! در این مدرسه به پرورش تال آموزش رسیدگی بیشتری میشود. مهارت های ضروری فردی. آدال معاشرت. احترام. ادب و اصلا از همه مهم تر طرز زندگی کردن را آموزش داده و یادآوری می کنند. برای من خیلی جالب بود که کتابخانه اش غنی تر از کتاب خانه ی دانشگاه مابود و در این سن مطالعه را سمبل موفقیت می دانستند. دیوارهای کلاشان سرتاسر چیده شده بود از خرت و پرت های دور ریختنی ترعیین شده توسط خود بچه ها. مراسم مان خارج از وصف دینی. مذهبی. سیاسی. حتی اردو رفتنشان هم با ما متفاوت است. این مدرسه اینگونه بودنش را. خاص بودنش را مدیون مردبزرگ نیست که به عنوان پدری دلسوز در انجا با جان و دل سخت تلاش کرده تا مردانی جوان مرد. مردانی مرد! تحویل جامعه و مردم دهد. هر کدام از ان بچه ها در دید عینکش مردی بزرگ در آینده است. و این برخورد یعنی حس مهم بودن. حسی که خیلی از استعداد های درونی مان را شکوفامیکرد اگر کم رنگ نمیشد. در این سن نماز هایشان باشکوه تر از هر روز برگزار میشود.

و جالب تر از همه این بود که هیچگاه حس خستگی بر معلمان انجا غلبه نمیکند. گویی معلمی از زمانی آغاز به کار میکند که حس مسعولیت. دوست داشتن. دلسوز بودن و... در ما درونی شود.

با هر سطح سوادی و در این مدرسه شوی فیلسوف از ان خارج میشوی!

مسلم! گفته هایم از این مدرسه کم تراز ناچیز است.

حرف اخر:

امیدوارم من و همه ی معلمان آینده بتوانیم این چنین دانش آموزانی تربیت کرده و به کشورمان تحویل دهیم. و مدارسی این چنینی در سطح جامعه گسترش یابد و موفقیت هر روزمان اوج بگیرد.....